

چند پاسخ

رفیق ش. الف

(۱) سؤال کرده‌ای که چون "بیکار" در شماره‌های اولیه خود امکان حرکت از سوسیالیسم بسوی سرمایه‌داری را مطرح کرده است پس ایراد رهایی به بیکار در مورد روال تحول جامع سرمایه‌داری به سوسیالیسم سرمایه‌داری وارد نیست.

توضیح باید بگوئیم که این ایراد نه از دید ما بلکه از دید "بیکار" وارد است. سازمانی که هر چیز جز مکانیسم تاریخی استالین را بتواند مائتریالیسم تاریخی رد میکند باید جواب دهد که اگر مارکسست از سوسیالیسم به سرمایه‌داری را خلاف پیش‌ترک خطی استالین می‌پذیرد پس به چه حقی به دیگران که بهین پیش‌ترک ایراد دارند نه تنها "الحاد" می‌زند. واقع اینست که ما همانطور که بارها گفته‌ایم مائتریالیسم تاریخی را تاریخاً درست میدانیم و نه آن که سنی میکنیم فرمولی از آن بسازیم و جوامع را درون آن جا دهیم.

(۲) در مورد "شیوه تولید جمهوری دموکراتیک خلق" که رهایی آنرا "عجیب و غریب" خوانده است سؤال کرده‌ای و گوشه کسریه‌ای که پس از انقلاب اجتماعی انواع شیوه تولید مدتها در کنار هم وجود دارند. این گفته‌ی تو صحیح است و ما نیز جز این اعتقاد نداریم. شیوه تولید سرمایه‌داری، خرد مالکی و شاید در مواردی فئودالی و غیره تا مدتها در جمهوری سوسیالیستی نیز به حیات خود ادامه میدهند و بتدریج جای خود را به شیوه تولید سوسیالیستی می‌سپارند. اینها هر یک مشخصات خود را دارند. قوانین خود را دارند مناسبات تولیدی خاص خود را دارند. ولی "شیوه تولید دموکراتیک خلق" دیگر چیست؟

(۳) در مورد نحوه برخورد به سایر جریانات کمونیستی و منجمد رزمندگان، همانطور که در متن مقالات آمده است علت را در تناقضات درونی این سازمانها باید جستجو کرد. رزمندگان هنگام شروع کار این امیست را ایجاد میکرد که عناصری از تفکرات درون خود دارد و میکوشد با از دایره‌ی خط ۳ معروف بیرون گذارد. ولی همانطور که دیده شد بعلمت فقر تئوریک و نداشتن شهادت

لازم هر بار که مورد تعرض سایر جریانهایی مائونیست قرار گرفت فوراً نه یک گام گسسته چندین گام بعقب برداشت و استعفار کرد عنصر تفکر که میتوانست عامل مثبتی باشد بدین ترتیب در جهت ممکن خود یعنی در هم کویی و منافع کویی درآمد، و بالاخره خود را بکلی خلاص کرد و ترجیح داد در همان ما من خود فریب خط ۳ محبوس و محفوظ بماند. در اینحال طبیعی است که برخورد ما در طول زمان باین جریان تغییر میکند. ما از ابتدا تصمیم نمی‌گیریم با یک جریان چگونه برخورد کنیم. نوع برخورد ما بستگی مستقیم به ماهیت و تحولات یک جریان دارد.

در مورد رزمندگان - مسافانه - این سبب جهت قهقزایی داشته است بطوریکه امروز تشخیص خط فارق آن از "بیکار" برای ما - و شاید برای هواداران آنها - مشکل باشد. راستی علت اینکه اینها هنوز دو جریان هستند چیست؟ آیا تفاوتی با هم دارند؟

رفیق ر. مائزندان

(۱) نوشته‌ای که ما در مقدمه کتاب فورماسیونهای اقتصادی مائونیست سرمایه‌داری گفته‌ایم: "ترتیب نوشته‌های مارکس بر حسب پیچیده‌تر بودن نظامهاست و نه تسلسل زمانی مکانیکی" و سپس اظهار کرده‌ای که: "مگر خلاف اینست که درجه پیچیدگی و تکامل نظامها بر حسب زمان مرتب شده است."

سخن تو علی الاصول درست است و مائونیستی با گفته‌ی ما ندارد. طبیعی است که مثلاً فئودالیسم از برده‌داری پیچیده‌تر است و بهمین لحاظ پس از آن می‌آید. بحث ما

اینست که مثلاً هنگامیکه کمون اولیه محصل میشود و فورماسیونهای مختلف در نواحی مختلف از آن بیرون می‌آید (نظام سنتی، آسیایی، ژرمنی، برده‌داری) و بعد هر یک از اینها تحولات خود را میکند که این تحولات بر حسب خصوصیات مختلف جوامع، حرکت آنها، تاریخ آنها، محیط و اقلیم آنها، جغرافیای آنها تعیین میشود و هر کدام سرعت و شتاب خاص خود را دارد چه بسا بعد از هزار سال جامعه‌ای چند بار تحول کرده و جامعه‌ای

دیگران سازمان

توضیح

تذکر برخی از رفا در مورد "استقرار سوسیالیسم" در شوروی و اروپای شرقی صحیح است. عبارت صحیح در باراکراف آخر از مقالۀ اعتمایات کارگر در لهستان (۴)، "طلبی سوسیالیسم در این کشورها" است.

مجاهدین خلق و...

طلوگیری شود.

اما همانطور که گفتیم ما نه قصد کلاهگذاری از آقای رجوی را داریم و نه بیت تعریف کردن از سارزات خود را. قصد ما این بود که نشان دهیم، این لغزش یا سیر لغزشها در مصاحبه‌ی آقای رجوی هماهنگی دارد و یک پیام را میدهد. "حاج سلطان حاکمیت را دیگالیزه" میشود. کمونیستها با یک جواب راند میشوند، سئوالها بلاجواب میماند و...

ما بر خلاف ما هدین معتقد نیستیم که باید گذاشت یک مساله خود را در همدی جواب نشان دهد و همدی آثار سوء اجتماعی خود را ظاهر کند تا قابل برخورد باشد. ما میخواهیم به سبیل به مجرد آنکه ظهور کردند برخورد کنیم تا از عوارض سوء اجتماعی آنها طلوگیری کنیم. ما

نمیخواهیم شا هدرایش بد راست ما هدین و برداشتن گامهایی در این راه باشیم و بعد به آنها انتقاد کنیم که راست شده اند. انتقاد در آزمان انتقادی سازنده و دوستانه نیست. خود ارضاء کننده است. ما نمیخواهیم با مجاهدین چنین برخوردی داشته باشیم. برخورد مسئول به نظر ما اینست که به مجاهدین و هواداران آنها هشدار داده شود که انتهای این سیر بنفع توده های مردم نیست. بنفع "حاج سلطان" است. توجیه راست ها و سرکوفت زدن به چپ ها بنفع کیست؟ جواب با مجاهدین است. جواب با همه ی انقلابیون است.

رزمندگان...

رزمندگان، بهیج ما بند نیست. و در این حالت تعلیق و یا در هوایی، فقط یک عبارت صحیح در نوشته های رزمندگان در این مورد باقی میماند:

"رزمندگان... در بند الگوی "انقلاب دموکراتیک" متعارف... نمیباشد."
(اسطوبلا... صفحه ۱۶)

بررسی نقد ما هم همین را نشان میدهد. اما این "انقلاب دموکراتیک" متعارف هم ظاهرا از همان تعارف هاست!

ادامه دارد

دیگری حرکتی بقدری بطی بوده است که هنوز دچار دگرگونی کامل شده است. حال اگر یک فطم زمانی با این جوامع بدهیم در یک زمان واحد مقاطع مختلف را ببینیم، و با

برعکس میبینیم که مثلا شودالیزه در جامعه ای منسوخ میشود و سرمایه داری بوجود میآید و حال آنکه در جامعه ای دیگر هنوز نظام آسایبی وجود دارد. سرمایه داری و نظام آسایبی در این مثال همزمان هستند ولی هم غم

نیستند. مارکس بدرستی برای نشان دادن سیر ماتریالیسم تاریخی عهدها را مورد توجه قرار میدهد.

(۲) توضیح سئوال تو در مورد استحالی شعار انقلاب بورژوا دموکراتیک به رهبری طبقه کارگر به انقلاب سوسیالیستی در روسیه محتاج یک مقالۀ مفصل است. همیشه گوییم که این امر با توجه به سیر نظری انقلاب مداوم قابل توضیح است. ثبیل از انقلاب فوریه حاکمیت سیاسی در دست بورژوازی نبود. انقلاب فوریه این بهم را به انجام رساند.

(۳) در مورد مارکسیست بودن یا نبودن استالین یا ماثو باید گفت که طرح سئوال با این شیوه و مقولۀ بندی در این زمینه برخوردی ستلج خواهد بود. ما نظر خود را نه در یک کلام بلکه بطور مفصل راجع به استالین و ماثو و انحرافات عمیق آنها نوشتادیم. امیدواریم آنها بقدر کافی تویا باشند.

رفیق ۹

(۱) پرسیده های که اظهار ما در مورد امکان بوجود آمدن یک صورت بندی جدید در حرکت از سرمایه داری به سوسیالیسم مربوط به بعد از انقلاب سوسیالیستی میشود یا قبیل از آن. این اظهار خاص ما مربوط به بعد از انقلاب سوسیالیستی میشود. ما در مورد امکان قبیل از آن خود بحثی نکرده ایم و تا آنجا که

میدانیم در ادبیات کمونیستی نیز بحثی برامون آن نشده است ولی بهر حال بطور میرسد که مسالۀ بسیار مهمی باشد. سئوال تو برای ما بسیار قابل تعمق است و شاید جواب تحولات پاره ای از کشورهای اروپای شرقی را که در آنها انقلاب سوسیالیستی بمعنای واقعی نشسته و مناسباتی شبیه شوروی دارند را بشناسان در برخورد بهین سئوال یافت.

(۲) اشاره ی ما به "نرمساری" رزمندگان در انتقاد از خود در مورد جنگ، بیجان مناسبی نیست. اما این امر نباید ما را از این سود که به مکانیسم این "انتقاد از خود" که آنرا در نقدهای اخیر بر رزمندگان مطرح کرده ایم توجه شود. شما به نوشته های خود رزمندگان در مورد "رای کشی" توجه کنید تا ببینید این انتقاد از خود است یا انتقاد از

برقرار باد اتحاد زحمتکشان ایران و عراق علیه جنگ و تجاوز

تصحیح و پوزش ...

متأسفانه در شماره ۶۷ رهائی اشتباهاتی در تایپ رخ داده است که به شرح زیر اصلاح میشود:
صفحه‌ی ۱۹ ستون دوم خط ۵ کلمه‌ی عکس به اشتباه ممکن تایپ شده است.

صفحه‌ی ۱۹ ستون دوم خط ۳۲ نظام سلتی درست است.
همچنین در مقاله‌ی ”رزمندگان، انشعاب و مسائل انقلاب ایران“ دو زیر نویس مربوط به این بخش جا افتاده است:
(۱) تأکیدها همه جا از ماست، مگر اینکه غیر آن ذکر شود.
(۲) ”نظام“ اصطلاح فارسی‌ای است که اغلب بجای ”سیستم“ بکار گرفته میشود. ما با یکی دانستن ساخت (استروکتور)، شکل‌بندی (فرم‌اسیون) و سیستم موافق نیستیم.
اما چون در اینجا مفهوم مورد نظر رزمندگان را در نظر داریم و نه صحت یا نادرستی کاربرد اصطلاحات را، بنابراین در این مورد بخصوص کلمه‌ی ”نظام“ را معادل هر سه اصطلاح در نظر می‌گیریم. در بخش بعدی نظرم‌ان را در رابطه با شکل‌بندی ابراز خواهیم داشت.